

بازتاب

نشریه رائد

ویژه نامه بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ
شماره ۳۹ | محرم ۱۴۰۵



آنچه پیش روی شماست، ثمره هم‌افزایی،
دغدغه‌مندی و تلاش تیمی از اعضای بنیاد
شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ است که با دغدغه فعالیت در
عرصه فرهنگ و اندیشه، به ثمر نشست است.

- تولید محتوا و نگارش: واحد نگارش کمیته تولید محتوا
- معاونت پژوهش بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ
- طراحی و صفحه‌آرایی: کمیته گرافیک
- معاونت رسانه بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ

وقتی تصاویر لبخند پرمهر و نوازش‌های پدرانه‌ی رهبرمان را در به آغوش کشیدن نوه‌اش می‌بینم، تازه می‌فهمم یک دختر بچه چقدر عزیز جان و آرام دل ولی و امام خویش است. امان از خرابه‌ی شام؛ دختری که تمام هستی و نور چشم سیدالشهدا (علیه السلام) بود، وقتی به جای آن آغوش امن، لبان کوچکش بر رگ‌های بریده‌ی سرِ خونین پدر نشست، تاب نیاورد و در حسرت تکرار همان نوازش‌ها پرکشید...

فاستقم

منظومه شکیبایی: از ایستادگی تا رهایی

در حیطه فردی (مثل کنترل نگاه) و چه اجتماعی (مانند پرهیز از رشوه‌خواری یا کم‌فروشی) حیاتی است. در این عرصه، ردمبندی میان گناهان صغیره و کبیره رنگ می‌بازد؛ چرا که تا انسان به گناه کوچک آلوده نشود، در دام گناهان بزرگ نخواهد افتاد.

۲. از منظر صابر (درجات شکیباییان)

انسان‌ها در مواجهه با مصائب هستی به سه گروه تقسیم می‌شوند:

تائبین: پایین‌ترین درجه صابران که در هنگام ورود بلا یا زبان به شکوه نمی‌کشایند.
زاهدین: کسانی که علاوه بر عدم شکوه، در قلب خویش نیز به تقدیر الهی کاملاً راضی‌اند.
صادقین: بالاترین درجه صبر متعلق به کسانی است که نه تنها راضی‌اند؛ بلکه به آنچه خداوند برایشان مقدر ساخته، عشق می‌ورزند.

۳. از منظر احکام شرعی

صبر همواره ممدوح و پسندیده نیست؛ بلکه تابع شرایط، به پنج حکم تقسیم می‌شود:
واجب: ایستادگی در برابر انجام گناهان و معاصی.
مستحب: مداومت و شکیبایی در انجام نوافل و مستحبات.
مباح: صبر در امور روزمره و عادی زندگی.
مکروه: صبوری در اموری که کراهت دارند؛ مانند روزه گرفتن در روز عاشورا.
حرام: هر صبری که انسان را به ورطه گناه، ذلت یا ظلم پذیرد بکشاند (مانند سکوت در برابر ظلم به بهانه صبر) قطعاً حرام است.

سخن پایانی

شکیبایی، انفعال و دست روی دست گذاشتن در برابر جبر زمانه نیست؛ بلکه تجلی پویایی، مقاومت و کنشگری مؤمنانه در برابر موانع مسیر حق است. صابر حقیقی، با درک دقیق مراتب و احکام صبر، ظرف وجودی خویش را وسعت می‌بخشد تا در تندباد حوادث نشکند و در هیچ کجای مسیر تکامل و عبودیت، متوقف نگردد. در شب آتی به عوامل ایجاد صبر خواهیم پرداخت.

صبر، خمیرمایه تعالی روح و لنگرگاه آرامش انسان در تلاطم حوادث است؛ فضیلتی که نه تنها یک توصیه‌ی اخلاقی؛ بلکه راهبردی حیاتی برای عبور از گذرگاه‌های دشوار زندگی فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. پیش از این به جایگاه صبر و استقامت در مسیر اقامه حق پرداختیم، در این نوشتار، ابعاد و لایه‌های پنهان این مفهوم بنیادین را از منظر گوناگون واکاوی می‌کنیم.

جایگاه شکیبایی در کلام وحی

اهمیت بی‌بدیل این مفاهیم در معماری اندیشه اسلامی تا بدان جاست که واژه «صبر» و مشتقات آن مجموعاً ۱۰۳ بار در ۴۵ سوره قرآن کریم و مشتقات واژه «استقامت» ۴۷ بار در کلام الله مجید تکرار شده‌اند.

هندسه صبر: بررسی از سه منظر بنیادین

۱. از منظر متعلق (موضوع صبر)

بر اساس روایتی از پیامبر اکرم (ص) شکیبایی بر سه قسم است و هریک اجری شگرف در محضر پروردگار دارد:

صبر بر مصیبت: پرهیز از جزع و بی‌تابی در سختی‌ها که پاداش آن ۳۰۰ درجه الهی است. (فاصله هر درجه از زمین تا آسمان) این مصائب ممکن است در حیطه «فردی» (از دست دادن مال یا عزیزان) یا «اجتماعی» (مانند فقدان رهبر یا قحطی) رخ دهند. همچنین می‌توانند از نوع «اختیاری» (نظیر ورود به میدان جهاد) یا «اجباری» (مانند بلایای طبیعی) باشند.

صبر بر طاعت: ایستادگی بر انجام تکالیف شرعی با پاداش ۶۰۰ درجه الهی. این مقوله در حیطه‌های فردی تجلی می‌یابد؛ مانند استقامت بر کیفیت نماز که مرز میان ایمان و کفر است و طاعات فردی در نهایت بر رشد اجتماع نیز اثر مستقیم می‌گذارند. در بعد اجتماعی نیز در اموری نظیر سختی‌های تبلیغ دین معنا پیدا می‌کند.

صبر بر معصیت: سخت‌ترین و باارزش‌ترین نوع صبر، مقاومت در برابر وسوسه‌های شیطان و هوای نفس است که خداوند برای آن ۹۰۰ درجه مقام می‌نویسد. این مقاومت چه در حیطه فردی (مثل کنترل نگاه) و چه



بانو

ما زنان این سرزمین از کودکی میان ذکر مقاومت و حماسه‌ی زینب علیها السلام در اوج مصیبت، قد کشیده‌ایم. ما در محضر فرماندهی روایت‌گری عاشورا، دفاع و تبعیت تمام قد از امام و هدف قرار دادن بنیان ظلم و استکبار با خطابه‌های علی‌وار دیده، و از او سوگ حماسی آموخته‌ایم. آموخته‌ایم که سکون و تنها عزاداری، شایسته‌ی قامت محب و مرید حسین بن علی علیه السلام نیست و هریک از ما نقشی داریم.

حالا، این زنان و شاگردان کوچک با یاری این آموزه‌ها در حال گذر از آزمونی دشوارند. غم‌دیده و بی‌تاب‌اند اما هر شب با خانواده و جان برکف، درد و رنج را به میانه‌ی میدان می‌آورند، شهدا ی ارباً ارباً دیده و «ما رایت الا جمیلاً» می‌گویند، بغض را با فریاد الله اکبر فرو نشانده و پرچمی سه رنگ و مزین به نام یگانه قادر عالم را بالا می‌برند، تا امام زمانشان عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری کنند. ای عقیده‌ی بنی‌هاشم! ما با یاری شما ایستاده‌ایم اما هنوز تا قله بسیار راه داریم؛ برایمان دعا کنید که به عنوان سربازان حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف ثبت و یاد شویم.

پروژه ده ویژه

امشب حیدر را با خودم به صحن مردانه آورده‌ام. پسرَم دارد قد می‌کشد و باید شانه به شانه‌ی مردها ایستادن و آداب عزاداری را یاد بگیرد.

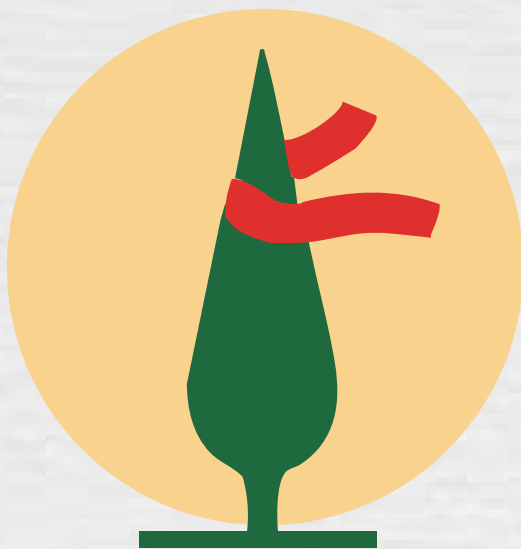
نماز تمام شده، خادم‌ها صف‌های نماز را جمع می‌کنند. مهرها را توی ظرف‌های بی‌رنگی می‌ریزند. سه نفرشان چوپ پر در دست دارند. برای هر فرد خم می‌شوند و از او می‌خواهند در صفوف جلویی بنشینند. جوانی سبزه‌رو با موهای پرپشت اما کوتاه، روی صندلی جایگاه می‌نشیند. صدایش حزن عجیبی دارد. زیارت عاشورا را می‌خواند. می‌گوید مردم دیدید آقای ما را کربلا بردند، صدای گریه جمعیت بلند می‌شود. صف‌های جلو شلوغ‌تر شده است. جوان که بلند می‌شود، مردی حوالی چهل، چهل و پنج سال روی صندلی می‌نشیند. خادم از ورودی صحن، عزادارها را به جلوی سن دعوت می‌کند. قاری سرش را خم کرده و به پسر بچه هفت هشت ساله‌ای چیزی می‌گوید. پسر بچه صف اول جلوی بابا می‌نشیند و دست‌هایش را زیر چانه می‌زند. خادم‌ها هر کدام گوشه‌ای ایستاده‌اند و دیگر کسی را جابجا نمی‌کنند. قاری شروع می‌کند به خواندن آیات سوره نصر. اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ را در اوج می‌خواند و بلندی صدایش همه‌جمعیت را می‌گیرد. طنین تلاوت قاری، شأن این معجزه را حفظ می‌کند. مکث‌ها درست، قواعد به جا و لحن باوقار، کلام وحی را به جان می‌نشانند.

منبر که شروع می‌شود، دفترچه‌ی گوش‌ام را باز می‌کنم تا ادامه نکات سخنرانی شب‌های قبل را یادداشت کنم. سخنران روی «بعد رفتاری» صبر دست گذاشته؛ تعبد یعنی پذیرش آنچه خدا فرستاده، اما می‌گوید تعبد بدون «تنسک» - همان التزام عملی و چشم گفتن - فایده‌ای ندارد. این را یادداشت می‌کنم: «تعبد بدون تنسک عملاً بی‌اثر است.» گوش‌ام را کنار می‌گذارم تا بقیه‌ی حرف‌ها را بشنوم.

با کم‌سو شدن چراغ‌ها می‌فهمم نوبت به روضه رسیده است. با دم ذکر یا حسین صفوف سینه زنی شکل می‌گیرند. خادم‌ها این بار میان‌دار می‌شوند. چوب‌پر و حمایل را کنار می‌گذارند و میان صحن حلقه می‌زنند. حیدر من تازه یاد گرفته است بگوید «حسین». دست کوچکش را به سینه می‌کوبد و نام او را زمزمه می‌کند. تماشایش می‌کنم؛ نام حسین علیه السلام باید همین‌گونه آرام و با ادب بر زبان جاری شود تا ریشه بدواند. حسین را باید شمرده شمرده و با فهم شنید، نه گم‌شده در هیاهوی صدایی پر شور. حسین یعنی همان سری که بر فراز نیزه قرآن خواند؛ پس سوگش نیز باید با معرفت و وقار آراسته باشد.

با همین ذکر آرام حسین، حسین، حسین...

بغض گلویم منتظر روضه خوان نمی‌شود و خودش را به چشمانم می‌رساند. و به یاد سری که روی نیزه قرآن خواند، به همراه حیدرم سینه می‌زنم و می‌بارم.



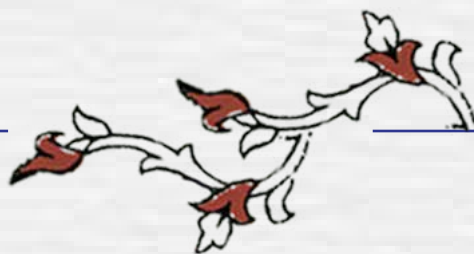
جهت دسترسی
به مجموعه صوتی
رمزینه مقابل را
اسکن کنید

«غیرت دینی» تنها یک فضیلت اخلاقی فردی نیست؛ بلکه دژ مستحکم برای مراقبت از ارزش‌های بنیادین و اجتماعی همچون عدالت است. مجموعه سخنرانی‌های «غیرت دینی»، اثری بیدارکننده، صریح و تحلیلی است که به واکاوی دقیق مرزهای تسامح و تساهل در دین می‌پردازد و ذهن مخاطب را با این پرسش کلیدی مواجه می‌کند: در برابر انحرافات و ظلم‌ها، تا کجا می‌توان کوتاه آمد؟

دکتر علی غلامی در این سلسله مباحث، با استناد به سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و آوردگاه‌های حساس تاریخی – از جمله چرایی انتخاب مسیر دشوار عاشورا توسط اباعبدالله الحسین (ع) – ریشه‌های تزلزل در غیرت دینی را در دو سویه افراط و تفریط بررسی می‌کند. این مجموعه به روشنی تبیین می‌کند که چگونه ترک فریضه امر به معروف، به حاکمیت شرورها و عادی‌سازی باطل می‌انجامد؛ چرا که تقابل حق و



دسترسی به صوت و خلاصه سخنرانی
دهه سوم محرم با موضوع «عزت دینی»



bonyad_shahidpalizvani



palizvani.ir